



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گو با مصطفی دالایی مستندساز: آوینی پس از شهادتش شناخته شد

و بسیاری از بچه‌ها یا کارمند صداوسیما بودیم یا کارمند جهاد سازندگی. خودم هیچ وقت برگه ماموریتی پر نکردم. حقوق من، همان حقوق ماهیانه تلویزیون بود. اگر من در سازمان می‌ماندم هم همان حقوق را می‌گرفتم، اگر می‌رفتم هم همان حقوق را می‌گرفتم. بچه‌هایی که از جهاد هم می‌آمدند همین گونه بودند و حق ماموریت دریافت نمی‌کردند.

این مستندساز به گمنام بودن اغلب همکارانش اشاره کرد و اظهار داشت: در میان بچه‌های جهاد تلویزیون رسم نبود که دنبال نام باشند. فضا به گونه‌ای بود که بحث پول را مطرح نمی‌کردیم و دنبال پول نبودیم. انتهای برنامه‌ها نیز تنها همین جمله نوشته می‌شد: «تهیه شده در گروه جهاد سازندگی». حتی اسم شهید آوینی هم نبود. خود ایشان نیز پس از شهادت، نام‌شان مطرح شد.

دالایی با بیان خاطره‌ای از شهید آوینی به خلوص نیت او در زمان نگارش متون مستندها تاکید کرد و گفت: بچه‌ها و دیگر همکاران، اغلب عصرها از سازمان می‌رفتند، ایشان می‌ماندند و بعد از رفتن بچه‌ها، نگارش متن را آغاز می‌کردند. ایشان را می‌دیدم که چقدر از بچه‌های رزمنده به نیکی یاد می‌کنند، او وقتی درباره رزمندگان صحبت می‌کرد، شیفتگی خاصی در صحبت‌هایش داشت.

وی ادامه داد: فردا که می‌آمدم، می‌دیدم در نمازخانه روی یک موکت بسیار نازک خوابیده و دستش را زیر سرش گذاشته؛ مشخص بود که تا نزدیکی نماز صبح متن می‌نوشته و بعد از نماز صبح، تازه به خواب می‌رفته؛ آقا مرتضی در همین فاصله که ما نبودیم و کسی نبود، وجودش از شیفتگی به بچه‌های رزمنده به غلیان درمی‌آمد، قلم ایشان مانند نیایش ایشان بود. کسی شاهد این لحظات نیست، لحظاتی که ایشان در حال نوشتن متن است، او در آن لحظات کاملاً تنها بود.

کارگردان مستند «سه نسل آواره» با اشاره به دغدغه‌مندی آوینی درباره جنگ در فلسطین گفت: ایشان هنرمند بودند و قلم زیبایی در ستایش فلسطین داشتند. در همان زمان هم متن فیلم «سه نسل آواره» را برای بچه‌های فلسطین نوشتند. / ایرنا

ممارست الزاماً زیر نظر شهید آوینی نبود. هر کدام از بچه‌ها سیری داشتند، برخی این سیر را در فیلم‌های روستایی جهاد سازندگی به دست آوردند. خودم با گروه در بلوچستان برای تولید مستند حضور پیدا کردم و وقتی فیلم‌ها را برای آقای مرتضی آوردم، بسیار خوششان آمد و این مجموعه مستندها بهترین کارهای غیر از جنگ شهید آوینی بودند.

وی با بیان اینکه هماهنگی فیلمبرداران با آقا مرتضی بیشتر حالتی معنوی داشت، گفت: در عملیات والفجر ۸ یا دیگر عملیات‌ها وقتی فیلمبرداری انجام می‌شد، ایشان فیلم‌ها را می‌دید و وقتی می‌گفت خوب است، قلم خودش هم به وجود می‌آمد. در اینجا بود که ما بیشتر می‌توانستیم با رزمندگان آینه‌گی کنیم و خلوص آنها را نمایش دهیم و چون آقا مرتضی خودش این خصوصیات را داشت، قلمش به رقص در می‌آمد و روح ما یکی می‌شد و ما را با هم هماهنگ می‌کرد. این فیلمبردار از همکاران شهیدشان نام برد و گفت: بچه‌ها در خط اول، از بسیاری از وابستگی‌های دنیا فاصله می‌گرفتند؛ دو خط عقب‌تر شاید بروز و ظهورشان مقابل دوربین طور دیگری بود اما در خط مقدم، حالت معنوی دیگری داشتند. آسیب‌هایی نیز برای بچه‌ها رخ داد؛ رضا مرادی نسب در جبهه و مهدی فلاحت‌پور سال ۷۱ بعد از جنگ در لبنان شهید شدند، هر دو تازه داماد بودند و هنوز بچه‌هایشان را ندیده بودند.

دالایی با اشاره به اینکه برخی از گروه خارج می‌شدند، توضیح داد: «روایت فتح» در آن دوران، اسم یک برنامه بود. عده‌ای از بچه‌ها آمدند و رفتند و حضور آنها در برنامه تداوم نداشت. این عرصه، عرصه خاصی بود. آنجا نه عنوانی و منصبی بود و نه حق ماموریت خاصی برای کسی رد می‌شد. اگر کسی بچه‌های رزمنده را دوست داشت، حضورش عاشقانه و لذت‌بخش می‌شد؛ و گرنه خیلی‌ها آمدند و رفتند و نماندند. وی افزود: کار بچه‌ها جهادی بود اما جهادی نه به آن معنا که پولی دریافت نکنند. من

مصطفی دالایی مستندساز و یکی از فیلمبرداران مجموعه مستند «روایت فتح» درباره حضور شهید سیدمرتضی آوینی در این مجموعه مستندها گفت: شهید آوینی در نوشتن متن‌ها و خوانش نریشن‌ها، بسیار متبحر بود. آقا مرتضی در ادبیات بسیار موفق بود و این ادبیات را در خدمت مستند قرار می‌داد.

بسیاری از مخاطبان، وقتی فیلم‌های روایت فتح را دیده بودند و بعدتر با آقای آوینی روبه‌رو شده بودند، تشخیص نمی‌دادند که این دو شخصیت یکی است.

وی ادامه داد: خود آقا مرتضی بسیار کمتر در فیلمبرداری آثار ورود می‌کردند، فیلمبرداران «روایت فتح» به مثابه کارگردان هم بودند و راش‌ها را تحویل آقا مرتضی می‌دادند. متن و صدای ایشان در مستندهای روایت فتح، حضور پررنگ‌تری داشتند. آقا مرتضی می‌گفتند اگر خودم بخواهم کار را تدوین کنم به کار آسیب می‌زنم؛ چراکه معتقد بودم فیلمبردار خودش در فضا حضور داشته و اگر من بخواهم فیلم‌ها را تدوین کنم به کار آسیب می‌زنم.

این فیلمبردار با اشاره به صدای خاص شهید آوینی در خوانش متن‌ها افزود: متن‌های ایشان فقط متن نبود، روح و جان و اعتقادشان به رزمندگان بود. ایشان به رزمندگان عشق می‌ورزیدند و این عشق در متن و صدایشان جاری بود. صدای ایشان در نریشن‌ها، متفاوت از صدای صحبت‌های معمولی بود. بسیاری از مخاطبان، وقتی فیلم‌های روایت فتح را دیده بودند و صدای ایشان را شنیده بودند و بعدتر با آقای آوینی روبه‌رو شده بودند، تشخیص نمی‌دادند که این دو شخصیت یکی است.

دالایی درباره بهترین مستندهای غیر از جنگ شهید آوینی توضیح داد: فیلمبرداران مستندهای روایت فتح، خودشان برای یادگیری ممارست می‌کردند و این

